

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

National Characters

شخصیت های ملی

ارسالی: ندای مردم  
۱۳ جولای ۲۰۱۵

## داد نورانی مبارز سلحشوری که در این روز جاودانه شد!

دوستان و متصدیان پورتال وزین و مبارز "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان!"  
ضمن تقدیم سلام های گرم خود خدمت تک تک شما عزیزان، خواستم مطلبی را که به مناسبت چهارمین سالروز  
درگذشت زنده یاد "داد نورانی" شخصیت مبارز و انقلابی کشور نوشته ام، قبل از نشر در فیسبوک خود (ندای مردم)  
از طریق پورتال وزین شما به نشر برسد.

از همکاری تان قبلاً اظهار سپاس می نمایم (ندای مردم)

تا که بر خاک تنم لاله سرخینه دمد

تا که بر عرش کلامم رود آهنگ سکوت

در ضربان دل من سیلانی سرخ

خون من؛ سرخ

رمقم؛ سرخ

شفقم؛ سرخ



چهار سال قبل از امروز (۲۲ سرطان ۱۳۹۰) خبر مرگ دلیر مرد مبارزه، زنده یاد "داد نورانی" از طریق رسانه های  
مختلف افغانستان، دوستان و هوادارانش را شوکه ساخت. خبری که برای عده زیادی باور ناکردنی بود. یکی می گفت  
"چند روز قبل او را در بحث تلویزیونی دیدم که چه با انرژی بر خائنان حمله می کرد"، دیگری می گفت: "نوشته عالی  
او را هفته قبل در فلان روز نامه مطالعه کردم"، خلاصه هر یکی به روایت خودشان از او یاد می کردند تا مگر این خبر  
دروغ باشد. اما واقعیت تلخ همان بود که شنیده بودند.

آری، "نورانی" دیگر در میان خانواده، دوستان و عزیزانش نبود و به جاودانگی پیوسته بود.

"داد نورانی" چرا آنقدر در میان مردم به خصوص روشنفکران، دوستان و قلم به دستان کشور مطرح بود و همه او را  
دوست داشتند؟

نورانی می گفت:

دست قدر به مصرعی بیچاره می کنم

من شاعری که مشت قضا پاره می کنم

بارو بر آسمان و فلک پاره می کنم

با موج می ستیزم و چونان نهنگ خشم

بلی نورانی انسان والائی بود که به مثابه فرزند صدیق خلق همواره مورد احترام توده های مردم بود و در قلب آنان جای داشت و اما عوامل مختلفی در محبوبیت "نورانی" نزد دوستان و هوادارانش نقش بارز داشت که مختصراً در ذیل به آن اشاره خواهد شد:

- نورانی در میان نویسندگان و روشنفکران به عنوان فردی مطرح بود که صادقانه وطن و مردمش را دوست داشت و با منطق قوی خود همواره از حقوق زحمتکشان و آزادی و استقلال کشورش دفاع می کرد. او هیچ علاقه مندی به کرسی دولتی یا ریاست اتحادیه های خیرنگاری و امثالهم نداشت. حتا نویسندگان و قلم به دستانی که اختلاف فکری با نورانی داشتند اینجا و آنجا به نورانی تمکین نموده و در بسیاری از موارد نظرات سیاسی اش را نیز تأیید می کردند.

- نورانی از دید مردم عام، مرد دلیر و با جرأتی بود که در محافل، میزهای گرد و تجمعات، واقعیت هارا بیان کرده و بی هراس از حقوق مردم و آزادی کشورش به دفاع بر می خاست. او همیشه در میان مردم می بود و از نظرات و مشکلات شان جويا می شد. نوشته های "کابلیان با خون می نویسند" در نشریه روزگاران محصول تلاش و زحمت او بود که در میان مردم می رفت، درد و سرگذشت دردناکشان را می شنید، آن را می نوشت و با نشر آن ذهنیت مردم را از جنایاتی که در حق شان توسط جنایتکاران تنظیم های جهادی صورت گرفته بود، آگاه می ساخت.

- از دید همکارانش، نورانی انسان صمیمی، خوش برخورد و استثنائی بود. به گفته یکی از کارگران اداره کلید، "او زمانی که به دفتر می آمد از احوال همه به خصوص کارگران دفتر با مهربانی و صمیمیت می پرسید و بعد به شعبه خود می رفت و به کارش مشغول می شد. چندان تمایلی هم به رفتن نزد مقامات دفترش نداشت و الا که او را برای مشوره و یا کاری می خواستند." همکار دیگرش گفت: "نورانی همکاران خیرنگار خود را صادقانه رهنمائی می کرد و هیچ گاه دانش خود را برای دیگران دریغ نمی ورزید."

- همزمان و شاگردان زنده یاد نورانی، او را انسان بادانش، سختکوش، از خودگذر و صادق به دوستان و همزمانش می دانستند. او بیشتر از همه کار می کرد، می نوشت، درس می داد و رهنمائی می کرد. زنده یاد نورانی انسانهای پرتلاش و صادق را دوست داشت و از تنبلی و دروغگوئی متنفر بود.

- در محیط خانواده، از تربیه و رشد سالم فرزندانش هیچ گاهی کوتاهی نمی کرد. در درس فرزندان به خصوص مضامین ریاضی، فزیک، کیمیا، بیولوژی، تاریخ و دری، رهنمائی و همکاری می کرد و به همین سبب هم فرزندانش همیشه شاگردان ممتاز مکتب خود بودند. او با آن که از بیماری شکر رنج می برد و یک روز بعد انسولین زرقی می گرفت، ولی هیچ گاه خستگی اش را احساس نمی کردی و همیشه او را در حالت نوشتن و مطالعه می دیدی.

اما زنده یاد داد نورانی دشمنان بیشماری نیز داشت:

عده ای که ظاهراً خود را در جمع دوستان نورانی می شمردند، او را به خاطر رُک و راست بودنش و این که دوستان خود را، تنبل و ناصادق به مردم و افکارش را همواره انتقاد می کرد، قابل تحمل نمی دانستند. این عده از محبوبیت روز افزون نورانی هراس داشتند و تصور می کردند که نفوذ و محبوبیت روز افزون او در میان جوانان و روشنفکران موقعیت آنان را به خطر مواجه خواهد ساخت، بناءً مذبحخانه تلاش می کردند تا در ذهنیت حلقات خودی شان شخصیت سیاسی نورانی را تخریب نمایند.

ولی دشمنان اصلی نورانی، عوامل امپریالیسم در کشور، مدافعان افکار فیودالی، مرتجعان، جنایتکاران و رهبرانی بودند که خود را به حلقات استخباراتی کشورهای همسایه، منطقه و قدرت های بزرگ جهان فروخته بودند. او شناخت

خوبی از بعضی قلم به دستان مطرح کشور داشت که همواره به آستان بوسی ولی نعمتان شان می رفتند، از آنان دستور می گرفتند و در پی تحقق اهداف آنان بودند. نورانی از این عده به مثابه پست ترین افراد جامعه یادآوری می کرد که می خواهند اشغال کشور را توسط اشغالگران امریکائی و متحدان ناتوئی اش به شکلی از اشکال توجیه نموده و به زعم خودشان مرگ ایدئوژی انقلابی را اعلان نمایند.

زنده یاد نورانی در مبارزه اش علیه ستم امپریالیستی و انواع ستم های طبقاتی موجود در جامعه قاطع و استوار بود، چنان که قبل از مرگش گفته بود:

**من ندانم سال دگر زنده ام همچنان بر تار شب تابنده ام**

**گر بودم فریاد آتشگون زخم آه دل در انفجار خون زخم**

**گر نبودم عهد من تکرار باد روح من در عرصه پیکار باد**

چهارمین سالروز درگذشت این فرزند دلیر و مبارز صادق کشور را گرامی داشته و روانش را شاد می خواهیم.

**یادش گرامی و درفش مبارزه اش در اهتزاز باد!**

**(ندای مردم) ۲۲ سرطان ۱۳۹۴**